

## آموزش در دو قرن اول

مریم ثقفی\*

### چکیده

علم مهمترین و بزرگترین رکن فرهنگ و تمدن است و در کنار آن تعلیم و تربیت وسیله انتقال فرهنگ و علم و تجربه از نسلی به نسل دیگر می‌باشد، به همین دلیل در طول تاریخ، جوامع بشری توجه خاصی به تعلیم و تربیت داشته‌اند.

از طریق آموزش کودکان از یک طرف، آداب و سنن به نسل بعدی انتقال می‌یابد و از طرف دیگر افراد کار آموزده برای بدست گرفتن مشاغل مهم کشور پرورش می‌یابند.

در ایران، از دوره باستان، تعلیم و تربیت جایگاه ویژه‌ای در جامعه داشت و به همین منظور نهادهای آموزشی بسیاری در نقاط مختلف تاسیس شده بود، اما طبقاتی بودن جامعه ایران، مانع از آموزش تمام افراد می‌شد و فقط طبقه‌ای خاص قادر به تحصیل بودند. پس از اسلام، تعلیم و تربیت برای کل مردم آزاد شد و از آنجا که دین اسلام توجهی خاص به آموزش دارد، در نتیجه موجب تحول و جهش علمی عظیمی در ایران پس از اسلام گردید .

در این مقاله تعلیم و تربیت و گسترش علوم در دو قرن اول ایران اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**کلید واژه :** علم، اسلام، ایران، تعلیم و تربیت، نهاد آموزش

## آموزش در اسلام

پیامبر اسلام ( ص ) از آغاز توجه خاصی به تعلیم و تربیت داشت. تعلیمات وی گاهی به صورت احکام حقوقی و گاهی به صورت مباحث اخلاقی مطرح می‌شد. مسجدالنبی، نخستین آموزشگاه علوم از زمان پیامبر ( ص ) بود. بعد از ایشان امامان ( ع ) نیز، عنایت خاصی به آموزش داشتند، تا جایی که در زمان امام صادق ( ع ) تعداد راویان موثق به چهار هزار رسید.

روش پیامبر ( ص ) برای تعلیم و آموزش، بصورت‌های :

تلاوت قرآنی - خطاب و موعظه - اعزام معلم و مبلغ به اطراف و ارسال نامه و مکاتبه و روش عملی یا اسوه‌ای بود.

در مکتب امام صادق ( ع ) در تمام رشته‌های علوم که هر کدام به نحوی در رشد فردی و اجتماعی افراد جامعه موثر بودند، تتبع و بحث صورت می‌گرفت و امام برای هر یک از شاگردان خود وظیفه‌ای خاص تعیین کرده بود و هر یک در رشته‌ای خاص تخصص داشتند. به علاوه امام صادق ( ع ) مسائل علمی و تجربی را نیز مطرح می‌کرد، بسیاری از بزرگان علم مانند جابر بن حیان از شاگردان ایشان بودند.

مجالس درس امام صادق ( ع ) بیشتر در مسجد برگزار می‌شد و شاگردان آن حضرت هم طبق سنت، اغلب در مسجد حلقه‌های درس تشکیل می‌دادند.

شاگردان ایشان نیز پس از یادگیری و کسب تجربه‌های لازم می‌توانستند، حلقه‌های کوچک درسی تشکیل داده و به تعلیم دیگران بپردازند.

روشهای امام در تدریس عبارت بودند از :  
الف - احتجاج و مناظره

ب- روش استدلالی و تحلیلی

در عصر خلفای راشدین و پس از آن در دوره حکومت امویان، مساجد بزرگ که عنوان جامع داشت، در مراکز بلاد اسلامی ساخته شد. در این مساجد، علاوه بر مسائل دینی به مسائل علمی نیز می‌پرداختند.

مراکز مشهور آموزش اسلامی این دوره عبارت بودند از :

۱ - مسجد النبی در مدینه

- ۲ - مسجد الحرام در مکه
- ۳ - جامع بصره
- ۴ - جامع کوفه
- ۵ - جامع اصفهان
- ۶ - جامع عمر در مصر
- ۷ - مسجد الاقصی و قبه الصخره در بیت المقدس
- ۸ - جامع اموی دمشق
- ۹ - جامع زیتونه در تونس
- ۱۰ - جامع قیروان در مراکش [۱].

امام صادق (ع) پایه گذار و تنظیم کننده رشته‌های مختلف حدیث و روایت بوده‌اند و بیش از چهار هزار نفر از پیشگاه ایشان کسب دانش کرده‌اند. اصول چهار صد گانه حدیث و معارف اسلامی که یگانه منبع اصلی کتاب‌هایی چون :

کافی تالیف شیخ کلینی - من لا یحضره الفقیه تالیف ابن بابویه - تهذیب و استبصار تالیف شیخ طوسی است، محصول مستقیم شاگردان با کفایت امام صادق (ع) می‌باشد.

زمان آموزش در مساجد، بعد از فراغت از انجام مراسم عبادی مانند نماز صبح و بویژه ظهر و عصر بود. در مسجدها محلی بنام شبستان وجود داشت که هم برای برگزاری مراسم عبادی و هم تدریس استفاده می‌شد. در مسجدهای بزرگ، رواقها و اطاقهای زیادی وجود داشت و هر قسمت به استادی متعلق بود.

مجلس درس یا حلقه درس برخی استادان از اهمیت بیشتری برخوردار بود، به گونه‌ای که حضور در آن جلسات برای طلاب و دانش پژوهان مایه افتخار بود. امکان داشت در مسجدهای درجه یک، روزانه دهها حلقه (مجلس درس) تشکیل شود ولی در مسجدهای درجه دو و سه معمولاً بیشتر از یک جلسه درس تشکیل نمی‌شد.

رسم حلقه مساجد از زمان پیامبر اسلام (ص) پدید آمد. به این طریق که پیامبر(ص) هنگام جواب به سوالات پیروان خویش، در مسجد مدینه می‌نشستند و مردم بر گرد ایشان حلقه می‌زدند و سخنان ایشان را می‌شنیدند و حفظ می‌کردند [۲].

از مراکز دیگر آموزش و پرورش می‌توان به بیمارستان‌ها و رباط‌ها اشاره نمود. رباط‌ها نام مواضعی بوده است که پارسایان و صوفیان برای عبادت در آنجا گرد می‌آمدند و معمولاً این رباط‌ها را در حدود و مرزهای بلاد اسلامی می‌ساختند تا در زمان نیاز، به حمایت شهرهای اسلامی بپردازند [۳].

موادی که در مسجدها تدریس می‌شد :

قرآن - حدیث - تفسیر - فقه ( قوانین شرع ) - اصول دین و بعدها نیز دانش‌هایی که بتوانند به مواد یاد شده کمک کنند، مانند صرف و نحو عربی، منطق و ادبیات عرب تدریس می‌شد [۴].

از مراکز دیگر آموزشی می‌توان، مدرسه خلافتی را نام برد که این مدارس در دربار خلفا تشکیل می‌شدند و افراد را برای آموزش عالی و به منظور خدمت به دستگاه حکومتی آماده می‌کردند. همچنین می‌توان به محافل ادبی و مجالس وعظ نیز اشاره کرد که این محافل در تالارهای ادبی و به گرد خلفا و ملازمان آنها تشکیل می‌شدند، پژوهشگران نامور در این محافل جمع می‌شدند و در باره مباحث مختلف به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند.

این محافل در زمان عباسیان و به ویژه در دوره خلافت هارون الرشید به اوج فعالیت خود رسیدند [۵].

در روزگار اموی نشست‌های ادبی ساده‌تر بود. اما پس از روی کار آمدن دولت عباسی تالارهای ادبی به مفهوم واقعی اهمیت خود رسیدند و دیدارها و نشست‌های منظم نه تنها در کاخ‌های خلیفگان که در کاخ‌های وزیران نیز انجام می‌پذیرفت.

با مطالعه در باره این تالارهای ادبی، خواننده می‌تواند شکوه و اهمیت این نشست‌ها را که نمودار کامیابی و گسترده‌گی فرهنگ آن دوره بود را تصور کند [۶].

علاوه بر موارد فوق در برخی مسجدها برای آموزش الفبا و قرآن مجید، مراکزی جداگانه بنام مکتب‌خانه دایر شد. این مراکز بوسیله مکتب‌دار اداره می‌گشت.

مکتب دارها در محل کارشان به کودکان نیز آموزش می‌دادند. کودکان پیش از سن پنج سالگی و زمانی که از عهده شستشو و طهارت خود برمی‌آمدند به مکتب سپرده می‌شدند. مدت تحصیل بر پایه سن، توانایی مالی و استعداد افراد متفاوت بود و بیشتر در پانزده سالگی این دوره تحصیلی پایان می‌یافت [۷].

کودکان در این مکتبها شهریه اندکی می‌پرداختند. در این مکان، نوعی خط حساب که از واژه‌های کوتاه شده عربی و شاید از روی نشانه‌های پهلوی بود به کودکان آموخته می‌شد که به آن خط سیاق می‌گفتند.

برخی از مواد مشترک تدریس شده در مکتبخانه‌ها را چنین یاد کرده‌اند :  
صد کلمه از حضرت امیر (ع) به عربی و فارسی - گلستان سعدی - دیوان حافظ - پندنامه عطار - موش و گربه عبید زاکانی - امثله - صرف میر و حلیه المتقین [۸].

در ایران نیز مکتبخانه وجود داشت، این مکتبها در ایران در دوره عباسیان به اوج رشد و توسعه خود رسید. در تمام نقاط و در تمام محلات مسکونی ایران مکتبخانه‌ها دایر بود. در این مکتبخانه‌ها بتدریج کودکان غیر مسلمان نیز راه یافتند.

نظام مکتبها دارای تشکیلات واحد مرکزی نبود. این مکتبخانه‌ها در ایران تا بعد از جنگ جهانی دوم با وجود توسعه مدارس جدید به فعالیت خود ادامه می‌دادند.

به نظر می‌رسد که در زمان حکومت متوکل عباسی بود که از ورود کودکان غیر مسلمان به مکتبخانه‌ها جلوگیری شد. اما این ممنوعیت زمان طولانی ادامه نداشت [۹].

مساجد نیز در این دوران در اکثر شهرهای مهم مانند بخارا، نیشابور، بلخ و شهرهای دیگر تاسیس شد و در آنجا مدرسان بکار تعلیم و تربیت مشغول شدند [۱۰].

بعدها به تدریج مدارس نیز برای آموزش علوم مختلف ساخته شد که به تدریج در شهرهای مختلف گسترش یافت.

این مدارس بتدریج مرکز تدریس و بحث گردید و حوزه‌های درسی آنها شامل :

فلسفه و علوم ریاضی چون حساب و هندسه و هیئت - علوم ادبی چون عروض و قافیه و لغت و امثال و شعر و علوم دینی مانند تفسیر، حدیث، فقه و مقدمات اصول

بود [۱۱].

در نشر علوم در تمدن اسلامی، ایرانیان تاثیر بسزایی داشتند زیرا :

- ۱- ایرانیان اهل بحث و نظر بودند.
  - ۲- ایرانیان در دستگاه حکومت راه یافتند و توجه خلفای عباسی را به علم و ادب و حمایت از دانشمندان جلب نمودند.
  - ۳- ایرانیان پیش از اسلام با علوم مختلف از قبیل فلسفه و ریاضیات و طب آشنایی داشتند و پس از شروع نهضت ترجمه در عهد اسلامی، قسمت بزرگی از کتابها توسط ایرانیان به زبان عربی ترجمه شد.
- به همین دلیل از سال ۱۳۲ ق با تشکیل دولت عباسی با کمک ایرانیان و با توجه به دخالت ایرانیان در امور حکومتی، ترویج علوم و فنون تحت تاثیر محیط ایرانی قرار گرفت [۱۲].

#### آغاز گسترش علم در اسلام

در بین خلفا و امرای اموی، دو تن به علت علاقه و پایبندی به علم و دین استثناء شده‌اند. نخست، خالد بن یزید، امیرزاده اموی، که در منابع عربی به عنوان نخستین عرب اصیلی یاد شده که در حوزه‌های گوناگون علوم طبیعی به ویژه کیمیاگری، به فعالیت پرداخته است [۱۳]. خالد را به سبب توجهش به علوم، حکیم آل مروان لقب داده‌اند و گفته‌اند که او بعد از وفات برادر خود معاویه ثانی متوقع خلافت بود لیکن مروان بن الحکم بر او غلبه یافت و خلافت را در دست گرفت. چون خالد از خلافت مایوس شد، متوجه علوم گردید .

در این ایام علم کیمیا در اسکندریه بسیار مورد توجه بود و خالد گروهی از علمای آن شهر و از آنجمله به مریانوس فرمان داد تا علم کیمیا را به وی بیاموزد و چون آن علم را آموخت به نقل آن بعربی فرمان داد.

خالد به علم نجوم هم رغبت داشت و در تهیه کتب و آلات نجومی، مقداری از اموال خود را صرف کرد و گویا کتبی از نجوم در دوره او ترجمه شده است.

صاعد اندلسی، مورخ قرن پنجم، از خالد بن یزید به عنوان کیمیاگر و پزشک برجسته یاد می‌کند و از میان خلفای عباسی، منصور را دوستدار فلسفه و نجوم و

فقه معرفی می‌نماید. به نظر او عامل اصلی پیدایش نهضت ترجمه در جهان اسلام مامون، خلیفه عباسی است [۱۴].

شخص دوم، عمر بن عبد العزیز، خلیفه اموی است که خیلی عادل و دیندار بود. به استثنای دو شخص فوق، از طرف خلفای اموی توجهی به علوم و عدالت اجتماعی نمی‌شد. در این عهد، سازمان منظم و مستقلی برای تعلیم و تربیت پدید نیامد. مردم فرزندان خود را برای تعلیم قرآن و نوشتن خط به مساجد می‌فرستادند [۱۵].

نخستین مرکز فرهنگی در جهان اسلام که ایرانیان در تاسیس و رونق آن نقش داشتند، بیت الحکمه (خانه دانش) در بغداد بود. بیت الحکمه به دستور مامون خلیفه عباسی، در بغداد تاسیس گردید [۱۶].

بیت الحکمه برای مطالعه کنندگان دارای وسایل کار و جای مطالعه بوده است. عده بسیاری در این مرکز به ترجمه کتاب مشغول بوده‌اند، این مرکز تا حمله مغولان به بغداد (۶۵۶ ق) دایر بوده است [۱۷].

مامون، سلطانی خردمند بود، او پس از پشت سر گذاشتن گرفتاریهای آغاز حکومتش، در بغداد مستقر شد، جنبش معتزله مورد لطف و عنایت او قرار گرفت. این جنبش متشکل از مسلمانانی بود که معتقد بودند دین را با استدلال‌های عقلی می‌توان بر پا داشت.

آنان شیوه‌های استدلال خود را بر روش‌هایی مبتنی کردند که نخست مورد استفاده فیلسوفان یونان و اسکندریه قرار گرفته بود [۱۸].

در این عهد که دوره کمال تمدن اسلامی در ایران و عصر ظهور افکار و آرای مختلف علمی و فلسفی شمرده می‌شود، در عالم علم، افراد بزرگ و نامداری چون محمد بن جریر طبری، محمد بن زکریا، ابونصر فارابی، ابوعلی سینا، ابونصر عراقی، ابوریحان بیرونی، ابن مسکویه و نظایر ایشان و در ادب فارسی افرادی از قبیل رودکی، دقیقی، فردوسی و امثال آنان پا به عرصه وجود نهادند [۱۹].

در مقدمه کتاب ابن خلدون آمده است که دانش بشر به ۲ قسم است :  
علوم نقلی که به امور شرعی و سنت می‌پردازد و علوم عقلی که شامل حکمت و فلسفه است. ابن خلدون در ادامه می‌گوید که ایرانیان بر شیوه‌ای بودند که به علوم

عقلی اهمیتی عظیم می‌دادند و دایره آن علوم در کشور ایشان توسعه یافته بود و هم گویند که این علوم پس از غلبه اسکندر بر ایران، به یونانیان رسید [۲۰].

### نهضت ترجمه

در بیت الحکمه، کتابهای بسیاری در دوره مامون ترجمه شد :  
از یونان کتابهای طب و نجوم و جغرافی و فلسفه، از هند کتابهای طب و نجوم و رزم نامه و ریاضی ، از سریانی ، کتابهای فلسفه و منطق و از ایران کتابهای تاریخ و طب و نجوم و غیره.

حنین بن اسحاق را یکی از مهمترین مترجمین بیت الحکمه می‌دانند که لغت یونانی را در بیزانس آموخته بود. او آثار ارسطو و کتاب جالینوس را به عربی ترجمه کرد [۲۱].

خاندان ماسرجیس یا (ماسرجویه)، کتاب کناش اهرن القس ، طبیب و فیلسوف یونانی را در ۳۰ مقاله از سریانی به عربی در آوردند.

خاندان بختیشوع که از پزشکان نسطوری ایران بودند، برخی از کتب یونانی را به لغت عربی در آوردند. ابن المقفع ، نویسنده و مترجم قرن دوم بود که کتب تاریخی و ادبی پهلوی را به عربی ترجمه کرد، کتابهای ترجمه شده توسط وی را بسیار زیاد عنوان کرده‌اند به نحوی که کتب ادب صغیر و ادب کبیر را برخی ترجمه و بعضی دیگر تالیف او می‌دانند.

خاندان نویخت، کتب نجوم را از پهلوی بعربی ترجمه کردند. عمر بن فرخان نیز از مترجمین کتب نجوم بود. ابوالحسن علی بن زیاد التمیمی نیز کتاب زیج شهریار را از پهلوی بعربی ترجمه نمود [۲۲].

طب از جمله علمی بود که منصور خلیفه عباسی بدان توجه بسیار داشت، به همین دلیل چندین کتاب در طب در دوره او ترجمه شد. رواج علوم نجوم و رصد و بکارگیری آلات رصد نیز از دوره منصور رونق یافت.

فلسفه و منطق نیز در دوره هارون الرشید مورد توجه قرار گرفت، در زمان وی کتاب اقلیدس برای اولین بار و همچنین کتاب مجسطی بطلمیوس بعربی ترجمه شد. ابن ندیم در کتاب خود نام مترجمین ایرانی آن دوره را چنین بیان داشته است:



عبدالله ابن مقفع، خاندان نوبختی، موسی و یوسف فرزندان خالد، علی ابن زیاد تمیمی، حسن ابن سهل، احمد ابن یحیی معروف به بلاذری، جبله ابن سالم، اسحاق ابن یزید، محمد ابن جهم برمکی، هشام ابن قاسم، موسی ابن عیسی، زادویه پسر شاهویه اصفهانی، محمد ابن بهرام ابن مطیار اصفهانی، بهرام ابن مردانشاه، عمر ابن فرخان [۲۳].

از کتابهای فارسی ترجمه شده در این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: خدای نامه، آیین نامه (کتابی شامل تاریخ، آیین جنگ، آیین فرمانروایی و ورزش‌های مختلف مانند چوگان و اسب‌سواری)، تاج‌نامه (در آیین مملکت‌داری)، نامه تنسر، داستان بهرام چوبین، کلیله و دمنه، کتب طب، نجوم، فن مساحی، اندرزنامه و پندنامه، عهدها و کتب دیگر.

کتاب‌های نجوم و ستاره‌شناسی توسط خاندان نوبختی و پسران خالد و علی تمیمی و حسن ابن سهل و کتب ادب و تاریخ و منطق توسط ابن مقفع و افسانه‌های باستانی و ادب اخلاقی توسط بلاذری و سالم ترجمه گردیدند. به گفته ابن ندیم، اسحاق ابن علی سلیمان، کتابی در دام پزشکی و زادن فرخ نیز کتابی در جغرافی ترجمه کرده است.

یاقوت حموی می‌گوید، محمد پسر مرزبان معروف به ابوعباس دمیری بیش از پنجاه کتاب را از زبان فارسی به عربی ترجمه کرده است، همچنین ابن ندیم در مورد، عمر فرخان می‌گوید که وی از علمای نجوم و ریاضی و موسیقی بوده و تفسیری بر کتاب بطلمیوس نوشته است [۲۴].

در زمینه کتب تاریخی که در ابتدا بیشتر مربوط به غزوه‌های نبوی می‌شد، اولین کتاب در سال ۱۲۴ قمری و توسط محمد بن مسلم زهری نگاشته شد. پس از او، محمد بن اسحاق و واقدی به نوشتن کتابهای مغازی و فتوح ادامه دادند. قدیمیترین کتاب تاریخ عمومی، متعلق به یعقوبی است و مهمترین کتاب تاریخ جهان را طبری نگاشته است.

بطور کلی شمار کتب تاریخی و غیر تاریخی و کتب ترجمه شده در این دوره بسیار زیاد است، همچنین تنوع کتاب‌های ترجمه یا نگاشته شده این دوره نیز قابل تامل است.

تعداد کتب ترجمه شده در این دوران چنان زیاد بود که حتی امروز هم شمار ترجمه‌های آثار ارسطو و شرح‌های آن به زبان عربی از تعداد ترجمه‌های آثار ارسطو به زبان‌های دیگر بیشتر است.

### کتابخانه

نخستین کتابخانه عمومی تاریخ اسلام در بیت الحکمه تاسیس شد، در این کتابخانه، کتابهای متنوعی وجود داشت. کار ترجمه و استنساخ نیز در این مرکز انجام می‌شد [۲۵].

از کتابخانه‌های مهم این دوران می‌توان به کتابخانه‌های زیر اشاره نمود :

- ۱- کتابخانه ابوالوفای همدانی که در قرن دوم در همدان تاسیس شده است
- ۲- کتابخانه حسن بن موسی نوبخت
- ۳- کتابخانه نوح بن منصور سامانی که ابن سینا شرحی از آن کتابخانه داده است .
- ۴- کتابخانه شاپور بن اردشیر در بغداد
- ۵- کتابخانه رستم بن علی بن شهریار در طبرستان
- ۶- کتابخانه صاحب بن عباد در ری
- ۷- کتابخانه عضدالدوله و عمادالدوله در شیراز
- ۸- کتابخانه بهاء الدوله دیلمی [۲۶].

### تمدن اسلامی

اختلاط نژادهای مختلف در دوره خلفا، نوعی تعلیم و تربیت ترکیبی بوجود آورد که خصوصیات و ویژگیهای بیشمار داشت. این آموزش شامل فرهنگ ایران، عربی، یونانی، هندی، مصری، سریانی و رومی بود.

اوج عصر طلایی تمدن اسلامی و پیشرفت علوم در جهان اسلام، مربوط به دوران مامون عباسی است. در این دوران ایرانیان و مسلمانان در علوم مختلف و در آموزش

و همچنین نگارش و ترجمه کتاب پیشرفت بسیاری کردند. اما پس از مامون، در دوران معتصم، نفوذ ایرانیان کاسته شد و قدرت ترکان افزایش یافت. از زمان این خلیفه سیر انحطاط عباسیان آغاز شد. علیرغم این وقایع تا قرن پنجم، گسترش و پیشرفت علوم در سرزمین‌های اسلامی و ایران همچنان ادامه داشت.

### نتیجه

در دوره صدر اسلام، تعلیم و تربیت در عربستان از طریق مساجد، صورت می‌پذیرفت، اما این آموزش در دوره خلفای اموی با رکود مواجه گشت، اما پس از دوره خلفای اموی و با آغاز حکومت عباسیان، تاسیس مراکز آموزشی، ترجمه کتابهای علمی و تعلیم و تربیت رواج یافت، به طوری که در قرن چهارم آموزش و علم در جهان اسلام به اوج خود رسید.

در ایران، پس از روی کار آمدن اسلام، بدلیل اینکه، آموزش برای همه طبقات امکان‌پذیر گشت، نهضت علمی عظیمی در ایران اسلامی ایجاد شد که در قرن چهارم و پنجم به اوج دوران طلایی خود رسید.

دانشمندان مختلفی پرورش یافتند، علوم گسترش یافت، کتاب‌های بسیاری ترجمه شد. و تعلیم و تربیت نیز همگانی شده و در اختیار عموم قرار گرفت و موجب تحول جامعه ایران گشت.

### پی نوشت :

- ۱- سید حسین حر ، « نقش مسلمانان در پیدایش مدارس تا پایان قرن پنج هجری » ، مجله آینه پژوهش ، ش ۸۷ ، مرداد و شهریور ۱۳۸۳
- ۲- ذبیح الله صفا ، « آموزشگاه‌های ایران اسلامی » ، ش ۵ و ۶ ، سال ۱۱
- ۳- علی اصغر حلبی ، تاریخ تمدن اسلام ، تهران ، چاپ و نشر بنیاد ، ۱۳۶۵ ، چ ۱ ، ص ۳۷۰
- ۴- محمد علی ضمیری ، تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام - شیراز ، ساسان ، ۱۳۸۰ ، چ ۸ ، ص ۱۱۲
- ۵- امان الله صفوی ، تاریخ آموزش و پرورش ایران ، تهران ، رشد ، ۱۳۸۳ ، ص ۴۸

- ۶- احمد شلبي ، تاريخ آموزش در اسلام ، ترجمه محمد حسين ساکت ، تهران ، نگاه معاصر ، چ ۱ ، ص ۹۸
- ۷- محمد علي ضميري ، همان ، ص ۱۱۳
- ۸- همان ، ص ۱۱۲
- ۹- کمال دراني ، تاريخ آموزش و پرورش ايران قبل و بعد از اسلام ، تهران ، سمت ، ۱۳۸۵ ، چ ۷ ، ص ۶۷
- ۱۰- مرتضی راوندي ، سير فرهنگ و تاريخ تعليم و تربيت در ايران و اروپا ، تهران ، ۱۳۶۷ ، چ ۲ ، ص ۷
- ۱۱- علي سامي ، « سير دانش و فرهنگ ايران در ادوار مختلف بعد از اسلام » ، مجله هنر و مردم ش ۱۲۶ ، فروردين ۱۳۵۲ ، ص ۳۵
- ۱۲- ذبيح الله صفا ، تاريخ علوم عقلي در تمدن اسلامي ، تهران ، اميرکبير ، ۱۳۵۶ ، چ ۴ ، ص ۳۶
- ۱۳- فواد سزگين ، تاريخ نگارندهای عربي ، ترجمه سعيد فيروز آبادي ، تهران ، ۱۳۸۰ ، چ ۴ ، ص ۱۵۹
- ۱۴- صاعد اندلسي ، التعريف بطبقات الامم ، تصحيح غلامرضا جمشيد نژاد ، اول ، تهران ، ميراث مکتوب ، ۱۳۷۶ ، چ ۱ ، ص ۷۳
- ۱۵- حسين سلطان زاده ، تاريخ مدارس ايران ، تهران ، آگاه ، ۱۳۶۴ ، چ ۱ ، ص ۵۴ - ۵۵
- ۱۶- مهدي فرشاد ، تاريخ علم در ايران ، تهران ، اميرکبير ، ۱۳۶۶ ، چ ۲ ، ص ۸۰۸
- ۱۷- پيشين ، ص ۷۰
- ۱۸- کالين.ا. رنان ، تاريخ علم کمبريج ، ترجمه حسن افشار ، تهران ، مرکز ، ۱۳۷۱ ، چ ۲ ، ص ۲۸۶
- ۱۹- کمال دراني ، همان ، ص ۵۸ و ۵۹
- ۲۰- عبد الرحمن ابن خلدون ، مقدمه ابن خلدون ، ترجمه محمد پروين گنابادي ، تهران ، علمي و فرهنگي ، ۱۳۸۲ ، چ ۱۰ ، چ ۲ ، ص ۱۰۰۲ - ۸۸۴

- ۲۱- عبدالحسین زرین کوب ، کار نامه اسلام ، تهران امیرکبیر ، ۱۳۸۷ ، چ ۱۳ ، ص ۴۸
- ۲۲- ذبیح الله صفا ، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ، ص ۶۰
- ۲۳- محمد محمدی ، فرهنگ ایرانی و تاثیر آن در تمدن اسلام و عرب ، تهران ، پیمان ، ۱۳۲۳ ، ص ۱۲۰
- ۲۴- همان ، ص ۱۲۴
- ۲۵- جرجی زیدان ، تاریخ تمدن اسلام ، ترجمه علی جواهر کلام ، تهران ، امیرکبیر ، ۱۳۷۲ ، چ ۷ ، ج ۴ ، ص ۶۳۱
- ۲۶- رکن الدین همایونفرخ ، « تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران » ، مجله هنر و مردم ، ش ۵۰ ، سال ۱۳۴۵

#### کتاب نامه

#### الف - کتاب

- ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون ، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی ، ۱۳۸۲ ، چ ۱۰ ، ۲ جلد
- اندلسی ، صاعد ، التعریف بطبقات الامم ، تصحیح غلامرضا جمشید نژاد ، تهران ، میراث مکتوب ، ۱۳۷۶ ، چ ۱
- حلبی ، علی اصغر، تاریخ تمدن اسلام، تهران ، چاپ و نشر بنیاد ، ۱۳۶۵ ، چ ۱
- درانی، کمال ، تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام ، تهران ، سمت، ۱۳۸۵ ، چ ۷
- راوندی، مرتضی ، سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا ، تهران ، ۱۳۶۷ ، چ ۲
- رنان، کالین، تاریخ علم کمبریج ، ترجمه حسن افشار ، تهران ، مرکز ، ۱۳۷۱ ، چ ۲
- زرین کوب ، عبدالحسین ، کارنامه اسلام ، تهران ، امیرکبیر ، ۱۳۸۷ ، چ ۱۳
- زیدان، جرجی ، تاریخ تمدن اسلام ، ترجمه علی جواهر کلام ، تهران ، امیرکبیر ، ۱۳۷۲ ، چ ۷ ، ۵ جلد

سزگین، فواد، تاریخ نگارشهای عربی، ترجمه سعید فیروز آبادی، تهران، ۱۳۸۰،  
جلد ۴

سلطانزاده، حسین، تاریخ مدارس ایران، تهران، آگاه، ۱۳۶۴، چ ۱  
شلیبی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمد حسین ساکت، تهران، نگاه  
معاصر، چ ۱

صفا، ذبیح الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶، چ ۴  
صفوی، امان الله، تاریخ آموزش و پرورش ایران، تهران، رشد، ۱۳۸۳  
ضمیری، محمد علی، تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، شیراز، ساسان،  
۱۳۸۰، چ ۸

فرشاد، مهدی، تاریخ علم در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، ۲ جلد  
محمدی، محمد، فرهنگ ایرانی و تاثیر آن در تمدن اسلام و عرب، تهران، پیمان،  
۱۳۲۳

#### ب - مقالات

حر، سید حسین، «نقش مسلمانان در پیدایش مدارس تا پایان قرن پنج هجری»،  
مجله آینه پژوهش، ش ۸۷، مرداد و شهریور ۱۳۸۳  
سامی، علی، «سیر دانش و فرهنگ ایران در ادوار مختلفه بعد از اسلام»، مجله  
هنر و مردم، ش ۱۲۶، فروردین ۱۳۵۲  
صفا، ذبیح الله، «آموزشگاه‌های ایران»، ش ۵ و ۶، سال ۱۱  
همایونفرخ، رکن الدین، «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران»، مجله هنر و  
مردم، ش ۵۰ و ۵۱، سال ۱۳۴۵